

نظامت و حکومت را باختیار خود می کنند * و تا حالت تحریر
این رساله - که سنه ۱۲۰۲ یک هزار و دویست و در هجری و سنه ۱۳۱
جلوس عالم شاه پادشاه است - ^(۱) دخل و عمل انگریزان درین هرساله
صوبه جاری ست *

روضه رابع در ذکر مسلط شدن نصاری انگریز در
ممالک دکن و بنگاله و دران دو خیابان است *

خیابان نخستین در ذکر آمدن نصاری فرقه
پرتگیس و فرانسیس و غیره در دکن و بنگاله *

بر ضمائر خورشید نظائر صیرفیان نقود آثار و گهرسنگان جواهر
اخبار مخفی و محتجب مباد که طائفه یهود و نصاری پیش
از ظهور اسلام در اکثر بنادر ممالک دکن - مثل ملیبار و غیره -
برسم بازرگانی از راه دریا آمد و رفت داشتند - و با مردم آن ملک
مالوف شده - در بعضی از شهرها سکونت ورزیده - مکانها و
باغیچه ها ساختند - و برین نهج سالهای دراز بسر بردند * و چون
نیراعظم دین محمدی طلوع فرموده - و پرتو شعاع آن آفتاب بر
مشارق و مغارب تافت - و رفته رفته ممالک هندوستان و دکن نیز
فیضیاب انوار مهر شرع احمدی گردید - و تردد اهل اسلام دران
ممالک شد - و اکثری از ملوک و حکام آن دیار بحلیه اسلام محلی

(۱) پیش لفظ دخل در نسخه های قلمی و نوشته *

شدند - و راجه‌های بنادر گوه و دابل و جبول و غیره بطور حکام
 اهل اسلام مسلمانانی^(۱) را - که از ممالک عرب می‌آمدند - در سواحل
 دریا مساکن داده - لوازم اعزاز و احترام آنها بجا می‌آوردند - لهذا
 یهود و نصاری در آتش حسد و رشک می‌سوختند * و چون
 ممالک دکن و گجرات بحوزه تصرف سلاطین دهلی درآمد و اسلام
 دران ممالک دکن قوی گردیده بود - مهر سکوت بر درجک دهان
 نهاده حرف عداوت و مخالفت بر زبان نمی‌آوردند - تا آنکه
 در سنه ۹۰۰ هجری اضعف و تخلل در سلطنت دکن راه یافت *
 دران وقت نصاری پرتگال از جانب پادشاه ملک خود بتعمیر
 قلاع در سواحل بحر هند مامور شدند * و در سنه ۹۰۴ چهار منزل
 چهار نصاری پرتگال در بندر قندرینه و کالیکوت آمده - کماهی
 حقائق آن مرزبوم را بخاطر آورده - بملک خود برگشتند - و سال
 دیگرشش منزل در کالیکوت آمده فروکش شدند - و با حاکم انجا -
 که مخاطب به سامری^(۲) بود - استدعائی کردند که مسلمانان را از
 سفر عرب مانع شوید که از جانب ما منافع بیشتر از مسلمانان بشما
 عائد خواهد شد * سامری گوش برین سخن نه نهاد * اما نصاری
 در معاملات داد و ستد تعدی بر اسلامیان آغاز نهادند - تا آنکه
 سامری بخشم درآمد - حکم بقتل و غارت آنها نموده - هفتاد نفر

(۱) در نسخه‌های قلمی مسلمانان * (۲) در نسخه‌های قلمی اینجا سامری

و جاهلی دیگر سامری *

معتبر نصاری را مقتول ساخت * ما بقی بر سلهها برنشته راه سلامت گرفتند - و نزد بلده کوچی - که حاکم آنجا با سامری مغازمت و خصومت داشت - توطن گرفته - رخصت احداث قلعه حاصل کردند - و در اندک ایام بعجلت تمام قلعه مختصر طیار نمودند - و مسجدی را که ساحل دریا بود شکسته کلیسا ساختند * و این اولین قلعه است که نصاری در دیارهند تیار کرده اند * و در همان زودی اهالی بغداد کثور نیز با ایشان اتفاق ورزیدند * ایشان دران جا هم قلعه بسته - بجمعیت خاطر بتجارت فلفل و زنجبیل اشتغال نمودند - و دیگران را ازین تجارت مانع آمدند - لهذا سامری لشکرکشی نموده پسر پادشاه کوچی را بقتل درآورده - و آن ولایت را ویران ساخته - معاودت کرد * و ورثه حکام مقتول - باز جمعیت نموده علم حکومت افراشته - ولایت را بحال آبادی آوردند - و بقول فرنگیان چهارزا بدریا متردد کردند - و حاکم کثور نیز بهمین آئین جهازات متردد ساخت * سامری - ازین ممر غصه خورده - جمیع خزائن و دفائن بصرف لشکر داده - دو سه دفعه بر کوچی لشکرکشی نموده - چون فرنگیان هر بار لوازم امداد و اعانت بظهور می رسانیدند - بر کوچی دست نیافته - بی نیل گوهر مقصود رجع القهقری می نمود * و چون عاجز شد ایلچیان نزد حکام مصر و جدّه و دکن و گجرات فرستاده از تعدی نصاری شکایتها نموده استمداد کرد - و احوال بدعت نصاری بر اهل اسلام

ضمیمه آن ساخته - عرق غیرت و حمیت آنها را بحرکت آورد * چنانچه سلطان قابصور غوری امیر حسین نام سرداری را با سیزده منزل غراب مملوئی مردم جنگی و آلات کارزار روانه ساحل هند ساخت - و سلطان محمود گجراتی و سلطان محمود بهمنی دکنی نیز از بندر دیو و سورت و کوله و دابل و جبول بعزم جنگ با فرنگیان جهازات در غایت استعداد مرتب ساختند * اول جهازات مصر به بندر دیو آمدند - و باتفاق سفائن گجرات متوجه جبول - که محل اجتماع فرنگیان بود - عازم شدند * و چهل منزل غراب سامری و چند منزل غراب گوه و دابل هم بایشان پیوسته - نائره جنگ را مشتعل ساختند * بیک ناگاه یک غراب مملوئی فرنگیان - بی آنکه ایشان را خبر شود - از عقب در رسید * لوازم آتشباری بظهور رسانیدند - و عرصه بحر را پر از آتش کردند * ملک ایاز حاکم دیو و امیر حسین ناگزیر بجنگ ایشان مبادرت نمودند - اما کاری از پیش نبردند - و چند غراب مصر گرفتار گشت - و مسلمانان شربت شهادت چشیدند - و فرنگیان بفیروزی به بقادر خود شتافتند * چون در همان ایام سلطان سلیم خنکار روم بر سلاطین غزیه مصر استیلا یافت و سلطنت آن طائفه سپری شد - سامری که بانی آن کار بود بیدل گردید - و فرنگیان تسلط تمام پیدا کردند - تا آنکه در رمضان سنه ۹۱۵ به کالیکوت آمده مسجد جامع را

سوختنند - و شهر را نیز بجاروب غارت روفتنند * اما روز دیگر ملیباریان
 هجوم آورده بر سر نصاری ریختند - و پانصد کس فرنگی معتبر را
 کشته - و بسیاری را در آب غرق کردند * و بقیه السیف گریخته
 در بندر کولم درآمدند - و با زمیندارانجا ساختگی کرده - در
 نیم فرسخی آن شهر حصارى مختصر احداث کرده - گردآوری خود
 نمودند * و در همان سال حصار گوه را از تصرف یوسف عادل (شاه)
 برآوردند * اما یوسف عادل شاه - باندک فرصت - خوش طبعانه
 از دست ایشان برآورد * ولیکن پس از ایام معدود - فرنگیان -
 باز حاکم^(۱) انجا را بزرهای فراوان فریفته - بران حصار متصرف شدند -
 و آن قلعه را - که متانت و حصانت تمام دارد - حاکم نشین خود
 ساخته - باستحکام پرداختند * و سامری ازین غیرت و اندرۀ در
 سنه ۹۲۱ عرضۀ مرگ شد * و برادرش - قائم مقام گردیده - بساط
 مذاذمت درچید^(۲) - و با فرنگیان طریقه مصلحت پیموده - نزدیک
 شهر کالیکوت اجازت احداث قلعه داد * و از ایشان قول گرفت که
 هر سال چهار منزل کشتی فلفل و زنجبیل به بنادر عرب می فرستاده
 باشد * فرنگیان چندی نعهد و قول خود وفا نمودند * و چون قلعه
 بانمام رسید - از تجارت اجناس مرقوم مانع آمده - بر اهل اسلام
 انواع تعدی و بدعت شروع کردند * و همچنین طائفۀ یهود - که
 در کدتلور بودند - ضعف سامری دریافته - پای از اندازه بیرون

(۱) در نسخه های قلمی حکم * (۲) بجای برچید *

نهاده - اکثری از اهل اسلام را شریعت شهادت چشانیدند * و
 سامری - از کرده خود فادم گشته - نخست در کدنگلور رفته -
 نوعی استیصال یهود نمود که از آن فرقه در آن دیار اثری نماند *
 پس از آن - باتفاق تمامی مسلمانان ملیبار - به کالیوکوت رفته قلعه
 فرنگیان محاصره نموده - بسعی فراوان^(۱) مغلوب ساخت - و حصار را
 مفتوح گردانید * ازین ممر قوت و شوکت ملیباریان برافزود - و
 جهازات را بی قول فرنگ ملو از زنجبیل و فلفل و غیره به بنادر
 عرب متروک ساختند * و در سنه ۹۳۸ فرنگیان در جالیات - که شش
 کوهی کالیوکوت است - قلعه بستند - و تردد کشتیهای ملیبار
 دشوار گردید * و همچنین ترسایان^(۲) در همان سنوات در عهد برهان نظام
 شاه در ریکونده قریب بندر جبل قلعه ساخته منوطن گشتند *
 و در سنه ۹۴۱ در عهد سلطان بهادر گجراتی بندر روسن و دمن
 (و) دیو را - که بسلاطین گجرات تعلق داشت - قبض شدند *
 و در سنه ۹۴۳ در کدنگلور هم قلعه احداث کرده استیلای تمام بهم
 رسانیدند * و درین وقت سلطان سلیمان بن سلطان سلیم رومی
 اراده کرد که فرنگیان را از بنادر هند برآورده خود در آن بنادر متصرف
 شود - لهذا در سنه ۹۴۴ وزیر خود سلیمان پاشا را با یک صد غراب
 جفگی به بندر عدن فرستاد (که) اول آن را که سر راه است

(۱) در نسخه های قلمی آوان * (۲) در نسخه های قلمی ترسان - مؤلف

ترسان جمع ترسا خیال کرده *

منتزع ساخته به بغداد دهند رود * و او در همان سال بندر عدن را از شیخ داؤد افتزاع نموده - و او را مقتول ساخته - به بندر دیو روانه شد - و طرح جنگ انداخت * نزدیک بود که مسخر سازد - لیکن بسبب کم شدن آذوقه و خالی شدن خزانه بی نیل مقصود مراجعت به روم کرد * و در سنه ۹۶۳ ترسایان بر بندر هرموز^(۱) و مسکت^(۲) و سمطره و ملوکه و میلافور و ذاک و فتن و ناشکور و سیلان و بنگاله تا سرحد چین مسلط شدند - و در هر جا طرح قلعه انداختند * اما سلطان علی اخی قلعه سمطره را مفتوح گردانید * و حاکم سیلان هم - فرنگیان را مغلوب ساخته - آسیب ایشان از ممالک خود دفع ساخت * و سامری حاکم کالیکوت - به تذگ آمده - ایلچیان نزد علی عادل شاه فرستاد - و ایشان را بغزای فرنگیان و اخراج از ممالک خود ترغیب و تحریص کرد * و در سنه ۹۷۹ سامری قلعه جالیات را مسخر و محاصره کرده - و نظام شاه و عادل شاه به ریکونده و گوه چسپیدند * سامری بزور بازاری شجاعت و همت قلعه جالیات را مسخر ساخت * و نظام شاه و عادل شاه از شامت نوکران نادرخواه - که به تطمیع فرنگیان فریب خوردند - بی حصول گوهر مقصود مراجعت کردند * و ازان وقت نصاری - در ایذا و تعدی بر مسلمانان راسخ شده - بعدی دست دراز کردند که بعضی جهازهای جلال الدین محمد اکبر پادشاه - که بی قول فرنگ

(۱) هرمز نیز خوانند * (۲) غالباً مسقط باشد *

به مکه معظمه متردد بودند - در هنگام مراجعت از بندر جدّه بغارت برده - انواع ایذا و اهانت کمال به اهل اسلام رسانیدند *
و بندر عادل آباد و فرابین - که تعلق به عادل شاه داشت -
وقف آتش و خراب مطلق کردند * و بطریق تجارت در بندر
دابل آمده خواستند که بخداع و فریب بران نیز دست
تصرف دراز کنند * اما حاکم انجا خواجه علی الملک تاجر
شیرازی - بر اراده شان مطلع شده - یک صد و پنجاه کسان
فرنگیان معتبر را مقتول ساخته - باطفای آتش فتنه پرداخت *

خیابان دویم در ذکر مسلط شدن نصاری

انگریز در ممالک بنگاله و دکن و غیره *

معلوم ضمیر دانشوران اخبارپزوه باد که ازان تاریخی که
جهازات جلال الدین محمد اکبر پادشاه بدست نصاری گرفتار شد -
فرستادن جهاز به بنادر عرب و عجم یقلم موقوف کرد - زیرا که
قول گرفتن از فرنگیان نیل ننگ و عار بر چهره همت عالی
تصور کرد - و بی قول فرستادن باعث هلاک نفوس و تضییع اموال
بود * اما امرای او مثل نواب عبدالرحیم خان خان خانان
و غیره قول از فرنگیان گرفته سفائن را به بنادر روانه می کردند *
و چند گاه برین منوال گذشت * چون نورالدین محمد جهانگیر
بر سریر سلطنت دهلی جلوس فرمود - فرقه نصاری انگریز را -
که در معتقدات از فرقه نصاری پرتگال (و) فرانسیس و غیرهم

تخالف تمام دارند و تشنه خون یکدیگر شده نسخه منسوخه
 عداوت را در همدیگر می خوانند - علی الرغم آنها در ولایت
 سورت - که از جمله ممالک گجرات است - جای سکونت داد *
 نخستین جائی که نصاری در سواحل بنادر هند جهت توطن اختیار
 کردند این بود * پیش ازین نصارای انگریز هم کشتیهایی تجارت
 در بنادر هند آورده اجناس را فروخته معاودت بولایت خود
 می کردند * و بعد ازان بتدریج در ممالک دکن و بنگاله جا بجا
 کوشیهایی تجارت نصارای انگریز هم بدستور نصارای پرتگال و
 فرانسیس وغیره قائم گردید - و محصول بطور دیگران می دادند *
 چون در عهد سلطنت اورنگزیب عالمگیر مصدر خدمات شایسته
 شدند - و فرمان احداث کوشیهایی تجارت در ممالک محروسه
 علی الخصوص احداث کوشی در بنگاله معه فرمان معافی محصول
 چهارات کمپنی انگریز و گرفتن سه هزار روپیه در وجه محصول
 بخشبندر حاصل کردند - چنانکه در ذکر آبادی کلکته گذارش
 یافت - ازان وقت در ممالک بنگاله اقتدار نمایان پیدا کردند *
 و چون در سنه ۱۱۶۲ نواب مظفر جنگ بواسطه نظام الملک
 آصف جاه باغواي حسین دوست خان عرف چند - که از
 رؤسای ارکات بود - نصارای فرانسیس ساکن بولچری را رفیق^(۱)
 خود ساخته - بر سر انورالدین خان شهابت جنگ گویاموی -

(۱) در نسخه های قلمی پیش لفظ روسای لفظ روی نوشته *

که از عهد نواب نظام الماک آصف‌جاه ناظم ارکات بود - بعزم
 انتزاع ملک ارکات شتافت - و جنگ عظیم در میان آمد *
 نواب شهامت‌جنگ در میدان رزم پای شجاعت افشوده داد
 مردانگی داده مقتول گردید * و نواب نظام الدوله - خلف دریم نواب
 آصف‌جاه - که بعد وفات پدر بمسند ریاست ممالک دکن جانشین
 بود - از اطلاع تخالف خواهرزاده با جمعیت هفتاد هزار سوار و یک
 لک پیاده بعزم تنبیه مظفر جنگ بر مسند عزیمت بر نشست * و به
 بقدر بولچری رسیده - بست و ششم ربیع‌الآخر سنه ۱۱۶۳ - صف جنگ
 آراسته فتحیاب گردید - و مظفر جنگ زنده دستگیر گردید * نظام الدوله
 موسم برسات در ارکات گذرانید * نصاری بولچری - با همت خان و غیره
 سردران افغانه کرناٹک - که نوکران نظام الدوله بودند - ساختگی کرده -
 بطمع ملک و اموال فریب داده - چشم دل را از ملاحظه حقوق
 تربیت نابینا ساختند * آن نمک‌خواران کمر غدر و دغا بسته -
 باتفاق نصاری بولچری - شب شانزدهم محرم سنه ۱۱۷۴ -
 شبخون زده - نواب نظام الدوله را (جام‌پیمای) حقیق مختوم
 شهادت ساختند * بعد شهادت نواب نظام الدوله افغانه و نصاری
 نواب مظفر جنگ را بر مسند نشاندند * و مظفر جنگ با جماعه
 افغانه به بولچری رفته - و جمعی کثیر نصاری فرانسیس را
 نوکر گرفته - اعتقاد خود ساخت^(۱) * و هم در سال مذکور جمعیت

(۱) شاید که اعتقاد باشد - صفحه ۳۹۹ سطر ۱ بنگرند *

غفیر از افغانه و نصاری گرفته عازم حیدرآباد شد * و بر سر ارکات
 مرور نموده - بملک افغانه در آمد * از نیرنگی تقدیر - در میان
 مظفر جنگ و افغانه اختلاف واقع شده - بجنگ و پرخاش
 منجر گشت * و هفدهم ربیع الاول سنه مذکور بهمدیگر معرکه
 قتال آراستند * از یک طرف مظفر جنگ و نصاری فرانسیس
 و از طرف دیگر افغانه صف آرا شدند * همت خان و غیره
 سرداران افغانه - نتیجهٔ ناکرामी یافته - مقتول شدند * و
 مظفر جنگ هم بزخم تیری - که در حلقهٔ چشم رسیده بود -
 سالک مسالک فنا گردید * بعد ازان نصاری فرانسیس در
 رکاب امیرالممالک صلابت جنگ پسر سیوم آصف جاه اختیار
 ملازمت کردند * و سیکاکل و راج بندری و غیره باقطاع یافته -
 اقتدار کمال بهم رسانیدند * و در ممالک دکن حکم ایشان نافذ
 و جاری گشت * فرقهٔ نصاری فرانسیس - که از مدتها در
 بنادر دکن آمد رفت می کردند - پیش ازان کسی ایشان را
 نوکر نداشته بود * این مظفر جنگ است^(۱) که نصاری فرانسیس
 را نوکر کرده بدیار اسلام آورد * چون نصاری فرانسیس باین اقتدار
 رسیدند - نصاری انگریز - که تشنهٔ خون گروه فرانسیس اند -
 نیز حوصلهٔ دخل در ممالک پادشاهی بهم رسانیدند - و بر
 بعضی ممالک دکن متصرف شدند - و قلعهٔ بندر سورت را

بقبض اختیار خود آوردند - و در ممالک بنگاله کونیهایی مستحکم قائم کردند * و از آنجا که فرانسویان - نواب انورالدین خان گویاموی صاحب صوبه ارکات را بقتل در آورده و شخصی را برای نام بسرداری برگزیده - در ممالک دکن مسلط شده بودند - نواب محمد علی خان پسر نواب انورالدین خان با سرداران انگریز ساختگی نمود * و ایشان - بکومک و امداد نواب محمد علی خان پیش آمده - دقیقه از لوازم امداد و اعانت فرو نگذاشتند - و باستیصال فرقه فرانسویس کماینبغی پرداختند * و در سنه ۱۱۷۴ قلعه بولچری را محاصره نموده از دست فرانسویس انتزاع نموده عمارات بولچری را منهدم ساخته قاع و هموار گردانیدند * و سیکاکل و راج بندری و غیره اماکن جاگیرات فرانسویس - که قیاس خلاص آن مکانات از وهم بیرون بود - خود مستخلص گردید * نواب محمد علی خان - بتوجهات سرداران انگریز بجای پدر بر مسند ایالت ارکات متمکن گشته - بخطاب والایه امیرالهند محمد علی خان منصور جنگ مخاطب گردیده - باطاعت سرداران انگریز تن داده مدت العمر بعیش و عشرت می گذرانیید * اکنون ملک ارکات هم بطور بنگاله بتصرف سرداران انگریز است * و چنانکه سابقاً مرقوم شد - چون سراج الدوله ناظم بنگاله از ناتجربه کاری خود سنگ در زنبورخانه زد - ناگزیر نتیجه آن دید آنچه دید *

و نواب جعفر علی خان - اینها را اعتقاد^(۱) خود ساخته در نظامت
 ممالک بنگاله سهیم و شریک خود نموده - در امورات ملکی
 دخیل ساخت * چون در سلطنت دهلی ضعف تمام راه
 یافته بود - در هر صوبه امرایان قابض شده دم استقلال می زدند *
 اکنون از مدت یک قرن تمامی ولایت بنگاله و بهار و اودیسه
 در قبض و تصرف سرداران انگریز در آمده است * و در کلکته
 سرداری مخاطب به گورنر جنرل از ولایت ایشان آمده اقامت
 می کند^(۲) * و نایبان تحصیل و عدالت و فوجداری (و) تجارت
 از حضور خود تجویز نموده در هر جا می فریسد - و کچهری خالصه
 در کلکته مقرر داشته تشخیص هر ضلع از قبل خود بند و بست
 می کند - و نایبان و ضلعداران زرها تحصیل کرده ارسال کلکته
 می نمایند * و چون در سنه ۱۱۷۸ بر نواب وزیر الممالک شجاع الدوله
 ناظم صوبه اوده و اله آباد ظفریاب شدند - باز بهمدیگر مصالحه
 نموده ملک وزیر را باو مسلم داشتند * ازان وقت دران ملک
 هم دخیل شده - و ملک بنارس را ازان صوبه علحده کرده گرفتند *
 و افواج ایشان در ممالک وزیر بطور نوکر حاضر بوده - در همگی
 امورات دخل دارند * واللہ اعلم - مآل این حال بکجا انجامد *
 همچنین در ممالک دکن در قلعه مندراج کوئهی قدیم و افواج
 سنگین می باشد * و صوبه ارکات در تصرف دارند * شهر گنجام

(۱) صفحه ۳۹۶ سطر ۱۹ بنگرند * (۲) در نسخه های قلمی می کرد *

و برمپور و ایچهاپور و سیکاکل و اسحاق پتن و قلعه قاسم کوته
و راج بندر^(۱) و ایلور و مچھلی بندر و بجواره و قلعه کوند بلی
و غیرهم بطور جاگیر از نظام علی خان گرفته در تصرف دارند *
و زمینداران این ملک پیش ایشان حاضر بوده مالگذاری می نمایند *
و هرگاه نظام علی خان را احتیاج بکومک می شود - افواج سنگین
همراه می دهند - و بحسب ظاهر از حکم او سرتابی نمی ورزند *
۱ - فرقه نصاری انگریز بحلیه^(۲) دانائی و هنرمندی آراسته و
و بحله صروت و اخلاق پیراسته اند * بدرستی عزم و کمال حزم
و تدبیر رزم و لیاقت بزم بی عدیل - و به آئین عدالت گستری
و رعیت پروری و ظالم گذاری و مظلوم نوازی بی نظیر اند * درستی
قول بحدی که اگر سر برود زبان تغییر نکنند - و دروغ گو را در
مجلس خود راه ندهند * سراسر فتوت و وفا و سراپا حلم و وقار اند *
حرف دغل نیاموخته اند - و صحیفه شرارت نخوانده اند * و با وجود
مخالفت دینی متعرض دین و آئین و اسلام احدی نیستند *
گفتگوی کفر و دین آخر به یکجا می کشد -
خواب یک خوابست - باشد مختلف تعبیرها *

(۱) پیش ازین راج بندری آورده * (۲) در نسخه های قلمی کلبه *